

فضول باشی و بوی کباب

پولدارها به کباب و بی‌پولها به بوی کباب عادت کرده‌اند. تورم و بالا رفتن قیمت‌ها برای اقشار آسیب‌پذیر به یک عادت تبدیل شده‌است. هم چنان‌که شکست‌های متوالی نمایندگان فوتبال استان در رقابت‌های منطقه‌ای و لیگ سه و دو یک امر طبیعی تلقی می‌شود. اگر روزی روزگاری تیمی بتواند از این استان در یک دوره از مسابقه، مقتدرانه پیش برود و در صدر جدول قرار بگیرد باید معجزه رخ داده باشد.

با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین شدنی نیست، آمار دادن و شرایط را مطلوب و بی‌نقص ترسیم کردن برای ورزش و فوتبال نمی‌تواند چاره ساز شود. اگر به آمار و ارائه اطلاعات و به‌به گفتن‌ها بود الان باید استان ما از خیلی از استان‌های کشور جلو میزد. مگر سال‌ها قبل نمی‌گفتند که اردبیل جزو ۱۰ استان برتر فوتبالی کشور است اما واقعیت چیز دیگری بود. آمار و ارقام یک مشت عدد است که برخی‌ها برای راضی نگه‌داشتن دل خود و به نوعی کلاه گذاشتن بر سر افکار عمومی به دامن آن متوسل می‌شوند. با سخن گفتن‌ها، مصاحبه کردن‌ها، قیافه گرفتن‌ها و ادای بزرگان را درآوردن‌ها برای ورزش و فوتبال ما نام و نان نمی‌شود و چه زیبا گفته‌اند که "با دعای گربه‌کوره باران نمی‌آید".

گفتم: فضول‌باشی وقتی در سطح جامعه صحبت از انتخابات و انتخاب چهاردهمین رئیس‌جمهور مملکت است تو چرا به جاده خاکی می‌زنی و از ورزش و فوتبال سخن می‌گویی؟ ضرب‌المثلی است که می‌گوید "لوله لهنگش آب می‌گیره" یعنی طرف از قدرت و نفوذ برخوردار است اگر مسئولی، رئیسی و یا مدیری بتواند آمار بدهد و از کنار آن به‌راحتی عبور کند و در موردش توضیح بیشتری ندهد یعنی این‌که طرف به قدرت و توان خودش امیدوار است که از بزرگ‌نمایی نمی‌ترسد و تخته گاز در این جاده پیش می‌رود.

گفت: درد بزرگ ما در مدیریت، تکبر برخی از مدیران است که از خودشان خیلی راضی هستند. تا به موقعیتی می‌رسند گذشته خود را فراموش می‌کنند و چنان قیافه‌ی شش‌دانگ می‌گیرند که نگو و نپرس. این‌ها افرادی هستند که "نی به نوک دماغشان نمی‌رسد" فکر می‌کنند که همیشه چرخ‌های دنیا بر مراد آن‌ها خواهد چرخید و تا دنیا دنیا هست ردای مدیریت بر تن آن‌ها باقی خواهد ماند. انسان به فردایش و به

روزی که در جلسه تودیع باید حضور یابد فکر کند و دیوار اعتماد و حرمت را با بولدزهای قوی خراب نکند.

گفتم: مدیران تازه به دوران رسیده "غوره نشده مویز میشوند" یعنی با بی‌تجربگی می‌خواهند خود را بزرگ، کاردان، لایق و مطلع از همه امور عالم معرفی بکنند و حتی گاهی غرور و تکبر و خودخواهی چنان بر وجودشان مستولی می‌شود که برای پلک زدن و لب روی لب گذاشتن و دهان بستن هم افتخار نمی‌دهند.

گفت: آن‌هایی که با یک حکم و دو خط نوشته از خود بی‌خود می‌شوند و با یک شمشیر دو لبه همه چیز را از دم تیغ می‌گذرانند بهتر است بدانند که "هر جا چاه است یوسف در آن نیست" هر وقت انسان به موقعیتی رسید بداند که برایش وفا نخواهد کرد چرا که اگر وفاداری پست‌ها و منصب‌ها به اثبات می‌رسید نوبت مدیریت به آن‌ها نمی‌رسید. این را اگر بدانیم و بفهمیم دیگر نیازی به فخر فروختن، زور می‌گفتن و غرور و خودپسندی نخواهد بود.